

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حمید تقوائی

## اوباما، تپه خاکی در برابر سیل!

انتخاب اوباما به ریاست جمهوری آمریکا نشانه پایان یک دوره در وضعیت سیاسی دنیا است: دوره سلطه بلامنازع مکتب شیکاگو و نئو-کنسرواتیسم بر جامعه آمریکا و بر کل جهان. دکتترین سیاسی - اقتصادی که با ریگانسیم و تاچریسم شروع شد و بعد از فروپاشی دیوار برلین بر کل جهان سرمایه داری سلطه پیدا کرد آشکارا به بن بست رسیده و ورشکست شده است. باتلاق جنگ عراق و افغانستان و تنفر مردم آمریکا از بوش و هیات حاکمه اش اعلام ورشکستگی سیاسی، و سقوط وال استریت اعلام ورشکستگی اقتصادی این دکتترین بود. معلوم شد سرمایه داری بازار آزاد با همه دولتها و مقامات و متفکرین و نظریه پردازانش (مکتب شیکاگو و فریدمانسیم، تاچریسم- ریگانسیم، نئو کنسرواتیسم، نئو لیبرالیسم، لیبرتاریانیسم و غیره) درمانده و بی افق و مستاصل اند و راه حلی برای جهان جنگزده و بحرانزده ای که به وجود آورده اند، ندارند. برای همه مردم روشن شد که "نظم نوین" سرمایه نه میتواند دنیا را اداره کند و نه حتی آنرا به خود و به دیگران توضیح بدهد.

اوباما حاصل این بن بست، سردرگمی و بحران عملی-ایدئولوژیک کل کمپ سرمایه داری جهانی است. کاندیداتوری و پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری پاسخ طبقه سرمایه دار- در آمریکا و در سطح جهان- به این بحران همه جانبه است. میخواهند جلوی یک سیل بنیان کن را با یک تپه خاکی بگیرند! مردم آمریکا و کل جهان غرب و دنیا از بوش به عنوان نماینده وضعیت موجود متنفرند، نارضائی عمومی مردم از جنگ عراق با نارضائیتی ای به مراتب شدید تر از اوضاع بحرانزده اقتصادی تکمیل میشود و برای اولین بار نظر سنجی ها در جامعه آمریکا نه صرفا از نارضائی و یا مخالفت بلکه از خشم مردم آمریکا سخن میگویند. کارشناسان و نظریه پردازان بورژوازی از فرانسیس فوکویاما تا آلن گرینسپن و از وال استریت جورنال تا هفته نامه اکونومیست به "اشتباهاتشان" در دفاع بیقید و شرط از بازار آزاد اعتراف میکنند، و فهیم ترین و صادق ترین نشان گنج و حیرت زده زیرلبی اذعان میکنند که "شاید حق با مارکس بوده است". قرار است اوباما به این صف در هم ریخته بورژوازی جهانی سرو سامانی بدهد و در برابر سرمایه جهانی منفذی برای خروج از این بن بست باز کند.

"تغییر"، محور کمپین انتخاباتی اوباما و رمز پیروزی او بود. مردم آمریکا مثل مردم همه جهان خواهان تغییرات بنیادی در وضعیت موجود هستند و بورژوازی کاندیدی را به صحنه آورد که بتواند با این موج تغییر همراه شود تا آنرا در چارچوب قابل تحملی برای طبقه حاکمه کنترل و محدود کند. بی شک با روی کار آمدن اوباما وضعیت سیاسی در آمریکا و در جهان "تغییر" خواهد کرد، اما نه تغییری که مردم انتظار دارند و به آن امید بسته اند. با کنار رفتن نئوکنسرواتیسم درد و مشکل مردمی که قربانی سودپرستی ذاتی نظام سرمایه در هر شکلش، خصوصی و دولتی و آزاد و یا کنترل شده هستند جواب نخواهد گرفت. ریشه درد یک میلیارد مردم گرسنه دنیا، قحطی و گرانی که مردم بیش از سی کشور جهان را تهدید میکند، و بیخانمانی و بیکاری فزاینده در خود جامعه آمریکا تنها سلطه نئوکنسرواتیسم در سیاست و اقتصاد نیست، کل نظم سرمایه است.

در این وضعیت بحرانزدگی نظم سرمایه، دست به دست شدن قدرت بین احزاب حکومتی در آمریکا، این فایده را برای طبقه حاکمه دارد که کل سیستم را از زیر تیغ حمله مردم بدر ببرد. ماموریت و رسالت اوپاما حفظ وضع موجود تحت لوای تغییری است که مردم خواهان آن هستند. او آمده است تا خواست توده ای تغییری را به نفع طبقه حاکمه مصادره کند. اما این کار ساده ای نیست. شرکت نسبتاً وسیع مردم آمریکا در انتخابات و شور و شوقی که با روشن شدن نتیجه انتخابات مردم نه تنها در آمریکا بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا نشان دادند نشانه اعتراضشان به وضعیت موجود و انتظار و توقع بالا و فوری است که از تغییری دارند. کارگرانی که در مخالفت با لایحه هفتصد میلیارد کمک به بانکها شعار میدهند

"Don't bail them, jail them!" (کمکشان نکنید، زندانشان کنید!)، و یا زن بیخانمانی که اعتراضش را اینطور بیان میکند که " به کسانی که ما را خانه خراب کرده اند جایزه ندهید!" این نقد و اعتراض عمیق مردم به تغییری وضع موجود را بیان میکنند.

اوپاما نماینده این گرایش نیست، عکس العمل و پاسخ نظم موجود به این گرایش است. او حد اکثر نقش مسکن موقتی را ایفا خواهد کرد که با رنگ باختن توهمات مردم به سرعت بی اثر خواهد شد. مضمون سیاستهای اوپاما از آنچه بیل کلینتون در دو دوره ریاست جمهوری انجام داد فراتر نمیرود، اما حتی اقبال کلینتون را نخواهد داشت. دوران دیگری است. بیل کلینتون در آستانه پیروزی بازار آزاد به مدل سرمایه داری دولتی بلوک شرق به قدرت رسید و اوپاما در اوج ورشکستگی سیاسی و اقتصادی بازار آزاد به میدان می آید. نه اوپاما و نه حزبش و نه هیچ گروه و حزب و جناح بورژوائی جهان پاسخی به این وضعیت بحرانزده ندارد. این شرایطی است که به طور عینی و واقعی سوسیالیسم و نقد سوسیالیستی وضع موجود را می طلبد و به میدان فرا میخواند. و بسیج و سازماندهی کردن این اعتراض در یک مقیاس جهانی پاسخ واقعی به تغییری است که مردم آمریکا، و توده میلیاردری مردم گرسنه و زیر خط فقر در سراسر دنیا، طالب آن هستند.\*